

۲ مقدمه
۲ طرح مسئله
۳ تحلیل واژه عفاف
۳ معنای لغوی
۳ معنای عرفی
۳ معنای اصطلاحی
۳ عفاف در قرآن
۴ عفاف در روایات اسلامی
۴ ویژگی های عفاف
۴ آثار و نتایج عفاف و حجاب
۶ طرح یک سؤال
۶ تعریف لغوی واژه حجاب
۶ فلسفه حجاب
۷ ارتباط متقابل عفاف و حجاب
۷ تاریخچه پوشش و حجاب
۸ تاریخچه و حجاب زن در اقوام جهان
۸ تاریخچه پوشش و حجاب زن در ایران
۹ پوشش و حجاب زن در ادیان الهی
۹ شریعت حضرت ابراهیم(ع)
۹ پوشش و حجاب زن در آیین زرتشت
۹ پوشش و حجاب زن در آیین یهود
۱۰ پوشش و حجاب زن در آیین مسیحیت
۱۰ حجاب در آیین اسلام
۱۱ عفاف و حجاب از منظر قرآن کریم
۱۱ نگاه عقیفانه از منظر قرآن کریم
۱۲ گفتار عقیفانه از منظر قرآن کریم : (وقار در سخن گفتن)
۱۲ کردار عقیفانه از منظر قرآن کریم : (وقار در شیوه راه رفتن)
۱۲ حدود پوشش عقیفانه از منظر قرآن کریم
۱۲ بررسی آیه ۳۱ سوره نور در مورد حدود پوشش و حجاب
۱۴ بررسی آیه ۵۹ سوره احزاب در مورد حدود پوشش و حجاب
۱۵ عفاف و حجاب حضرت زهرا (س)
۱۵ برخی از مصادیق بارز بی حجابی در آینه روایات
۱۵ دلایل بدحجابی و خودنمایی زنان در برابر مردان نامحرم
۱۸ تاریخچه کشف حجاب در جهان
۱۸ تاریخچه کشف حجاب در ایران
۱۹ وظایف زنان امروز جامعه ایران
۲۰ منابع

خداوند بنا به اقتضای حکمت بی پایان خویش ، انسان را آفرید و از در رحمت خود ، او را شایسته حضور در زمین و سپردن امانتی بزرگ دانست ، امانتی که حتی آسمان و زمین و کوهها هم از پذیرفتن آن سربرتافتند . خداوند ، خود را مسئول آفرینش انسان دانست و تمام شرایط حضور انسان در این زمین خاکی را برایش فراهم کرد و اینگونه بود که او را شایسته حضور در آزمونی بزرگ دانست .

برای او بعنوان احسن الخالقین ، بسیار حائز اهمیت بود که پر ارج ترین مخلوقش بر روی زمین که انسان نام داشت چگونه از ودیعه ای که به رسم امانت به او سپرده است حراست می کند ؟ به چه چیزی معتقد می شود و در کدام مکتب رشد می یابد و تا چه اندازه از او حرف شنوی دارد و او را اطاعت می کند ؟

خداوند علیم و حکیم اگرچه بنا به اقتضای علم بی پایانش ، انسانها را با ویژگیهای متفاوتی آفرید اما در اصل انسان بودن همه را یکسان خلق کرد و زمین را مکانی قرار داد که انسان برای مدتی معین در آن زندگی نماید و سرانجام به سوی پروردگارش رجعت کند ، اما برای رجعتی بهتر ، آنانی در اولویت هستند که دارای درونی آراسته تر باشند و با تلاش و برنامه ریزی

صحیح ، نفس خویش را هر روز بیش از پیش در مسیر انسانیت پرورش دهند و خدای ناخواسته فریب شیطان " این دشمن قسم خورده برای نابودی و تباهی انسان " را نخورند و در مسیر حیوانیت و خواسته های نفسانی حرکت نمایند . لذا خداوند برای پرورش و تأدیب نفس انسان ، تدابیری فرمود :

* اول اینکه به انسان ، فطرت را هدیه نمود و در جوهره وجودی هر انسانی ، صفاتی را بصورت فطری نهادینه نمود بطوریکه هر انسانی بدون ذره ای تلاش در مسیر رغبت به آن ، میل ذاتی دارد .

** تدبیر دیگر خداوند حکیم در جهت رشد و بالندگی نفس انسان ، ایجاد محرکهایی بیرونی بود که نقش هدایت صحیح و پرورش فطرت درونی انسان را بر عهده داشتند . این هدایتگران بیرونی پیامبرانی بودند که در تمام طول حیات بشریت بصورت متوالی و بدون انقطاع برای هدایت انسانها مبعوث گردیدند و سرانجام در کاملترین و زیباترین شکل در دین مبین اسلام در قالب قرآن و اهل بیت (ع) نمایان گردیدند و بدین ترتیب خداوند متعال بر انسانها حجت تمام نمود .

لذا بر هر انسان عاقلی واجب است که با توجه به فطرت درونی خویش و با تمسک به این دو چراغ فروزان هدایت بخش ، فضایل اخلاقی را درون خود پرورش دهد و تا نقطه اوج رشد و بالندگی و تأدیب نفس خود حرکت نماید . بدیهی است خداوند متعال ، در مسیر اطاعت و هدایت ، بایدها و نبایدهایی

مقرر فرموده است که حتی اگر انسان حکمت آنها را نداند اما به جهت اعتمادی که به پروردگار خود و در نتیجه هدایتگران او دارد بی چون و چرا موظف به اجرای این بایدها و نبایدها می باشد و اما این بایدها و نبایدها و انجام تکالیف الهی و تسلیم اوامر خدا شدن ، تحمیلی و خارج از طاقت انسان نیست ، چنانچه خداوند متعال در آیه ۲۸۶ سوره بقره می فرماید : " لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ : خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند . آنچه (از خوبی) به دست آورده به سود او، و آنچه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست."

طرح مسئله :

عفاف جزئی از باورهای فطرت است که بصورت نهادی بالقوه در انسانها قرار داده شده است ، اما مستلزم تربیت و تأدیب نفس می باشد تا این فطرت بالقوه الهی در مسیری صحیح پرورش داده شود و بصورت بالفعل درآید .

" عفت و حیا " خصلتی انسانی است که در تمام طول تاریخ بشر از زمان حضور آدم و حوا بر روی زمین در فطرت انسان نهاده شده است و مورد پذیرش تمامی انسانها بوده و هست و انسانهای بزرگ و ادیان آسمانی نیز بدان توصیه کرده اند و اساساً همین خصلت انسانی یکی از فلسفه های اصلی پوشش آدمی بوده است .

اگرچه ، افراد زیادی از مسئله حجاب و ضرورت آن ، با استدلالهای بی پایه و

اساس خود ایرادهای زیادی گرفته اند اما به جرأت می توان گفت حتی این مخالفین پوشش و حجاب هم ، به ضرورت حیا و عفت اعتقاد دارند و بسیار نادرند افرادی که در باب ضرورت و اهمیت عفاف و حیا مخالفتی داشته باشند ، مگر آنکه در انسان بودن آنها شک نماییم ، زیرا میل به شرم و حیا در برخی از رفتارهای گونه هایی از حیوانات نیز مشهود است .

بنابراین یکی از فرضیات مورد پذیرش همه انسانها، پذیرش و میل درونی و ذاتی به حیا و عفت است که در شریعت اسلامی نیز بر آن تأکید فراوان شده است. اما افرادی کوشیده اند با بیان این مسئله که میان عفاف و حجاب تفاوت است و الزاماً هر بی حجابی دلیل بر بی عفتی نیست، حجاب را غیر ضروری بدانند و حفظ عفت را بدون حجاب " امری ممکن " قلمداد نمایند.

این نوشتار به روشن نمودن اهمیت و ضرورت حجاب و نقش آن در حفظ حریم عفاف پرداخته است.

در ابتدا به تحلیل و معناشناسی واژه های عفاف و حجاب می پردازیم و سپس به بررسی ارتباط متقابل این دو مقوله خواهیم پرداخت:

تحلیل واژه عفاف:

۱- **معنای لغوی:** عفاف با فتح حرف اول، از ریشه "عَفَّت" است. راغب اصفهانی در مفردات خود، عَفَّت را چنین معنی می کند: (عَفَّت، پدید آمدن حالتی برای نفس است که به وسیله آن از فزون خواهی شهوت جلوگیری شود). و ابن منظور در لسان العرب می نویسد: (عَفَّت: خویشتن داری از آنچه حلال و زیبا نیست). شرتونی لبنانی نیز در اقرب الموارد می نویسد: پایه عفاف، خویشتن داری است و ردپایی از جنسیت یا اختصاص به جنس خاص (زن) در معنی لغوی عفاف، وجود ندارد.

۲- معنای عرفی:

در ادب پارسی، "عفاف" از نظر معنا و گویش، تفاوت یافته است. در گویش فارسی، عفاف به کسر اول و به معنی "پاکدامنی" به کار می رود. در لغت نامه دهخدا چنین آمده است: «عفاف: پارسایی و پرهیزگاری، نهفتگی، پاکدامنی، خویشتن داری». دکتر معین در فرهنگ فارسی معین آورده است: «عفاف: پارسایی، پرهیزگاری، پاکدامنی، در تداول غالباً به کسر اول تلفظ می کنند».

۳- معنای اصطلاحی:

در تفکر اسلامی، عفاف، واژه ای با بار معنایی خاص برگرفته از آیات و روایات، و گونه ای مَبِیش است همراه با کُنِش رفتاری و گفتاری.

الف - عفاف در قرآن:

در قرآن چهار بار از ریشه عفاف، استفاده شده است:

۱- سوره بقره - آیه ۲۷۳: «... يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ؛ (از شدت خویشتن داری، فرد بی اطلاع، آنان را توانگر می پندارد. آنها را از سیمایشان می شناسی. با اصرار، چیزی) از مردم نمی خواهند. و هر مالی (به آنان) انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است. « یعنی دیگران گمان می برند که اینان توانگرند زیرا عفاف می ورزند. در این آیه، کنش بزرگ منشانه، عفاف است، خویشتن داری، عزت نفس و امتناع از دست نیاز دراز کردن. در این آیه، حالت رفتاری مسلمانان فقیر را به نمایش می گذارد که چگونه خود را با رفتاری عقیفانه و بزرگ منشانه، بی نیاز جلوه می دادند.

۲- سوره نساء - آیه ۶: «... وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ؛ و آن کس که توانگر است باید از گرفتن اجرت سرپرستی یتیمان [خودداری ورزد و هر کس تهیدست است باید مطابق عرف از آن] بخورد پس هر گاه اموالشان را به آنان رد کردید بر ایشان گواه بگیرید خداوند حسابرسی را کافی است.» (در این آیه، درباره شناخت زمان رشد و بلوغ یتیمان، به سرپرستان سفارش می کند که از دست یازی به اموال یتیمان خودداری کنند و عفاف ورزند. این آیه نیز خویشتن داری را عفاف را خوانده است. در این آیه، دست یازی به اموال یتیمان را غیر عقیفانه، معرفی میکند.)

۳- سوره نور - آیه ۳۳: «... وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ... ؛ و کسانی که اسباب ازدواج نمی یابند، پاکدامنی ورزند تا آنکه خداوند از بخشش خویش توانگرشان گرداند.» در این آیه، خویشتن داری (استعفاف) را به پاکدامنی اطلاق فرموده است.

۴- سوره نور - آیه ۶۰: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ؛ (و زنان یانسه ای که امید ازدواج ندارند، گناهی نیست که جامه ها (چادرها)یشان را فروگذارند به شرط آنکه زینت نمایی نکنند و اگر پاکدامنی بورزند (و چادر را فرو نگذارند) بهتر است و خداوند، شنوای داناست.» در این آیه، (حتی) زنان سالخورده را (نیز) سفارش می کند که عفاف ورزند و چادر از سر فرو نگذارند، یعنی عفاف را برابر با «حجاب» گرفته است. بنابراین عفاف از منظر تفکر اسلامی، هم رویه درونی دارد که حالتی نفسانی جهت کنترل درونی است و هم رویه ای بیرونی که نشانه هایش در رفتار و گفتار هویدا می شود تا حالت درون را به نمایش گذارد. بنابراین "عفاف" مطلق خویشتن داری را گویند همان گونه که در آیات یاد شده، از خویشتن داری در امور اقتصادی و مالی نیز با کلمه استعفاف و تعفف، یاد شده است.

در روایات اسلامی نیز "عفاف" به معنی "خویشتن‌داری" است که در کردار و گفتار آشکار باشد.

چنانچه حضرت علی(ع) می‌فرماید:

* عفاف ، زهد ورزی و خویشتن‌داری است.

* برترین عبادت ، عفت است .

* عفت ، سرآمد هر خوبی است.

* عفت ، برترین خصلت است.

* عفت ، پارسایی است.

* عفت ، برترین جوانمردی است.

* عفت، نفس را مصون می‌دارد و آن را از پستیها دور نگه می‌دارد.

* کسی که پاکدامنی پیشه کند ، گناهانش کم و در نزد خدا منزلتی عظیم دارد .

همچنین در مورد ارزش انسان عفیف، همین قدر بس که امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید:

* پادشاه مجاهدی که در راه خدا به شهادت رسیده، برتر از شخص با عفتی نیست که توان گناه دارد ولی گناه نکند زیرا چنین شخص نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان خدا باشد.»

ویژگی‌های عفاف:

عفاف و خویشتن‌داری ، نقطه مقابل فزون خواهی و کشش نفسانی ، ویژگی‌هایی دارد از جمله :

۱- خصلتی انسانی است.

۲- حالتی درونی است.

۳- نشانه‌های بیرونی دارد.

۴- در رفتار و گفتار بروز می‌کند.

۵- با رفتار و نشانه‌های متناقض، سازگار نیست.

۶- نه از موضع ناتوانی بلکه از بلندای عزت و اقتدار، صورت می‌پذیرد . عبارت دیگر ؛ عفاف و خویشتن‌داری با علائم و نشانه‌های رفتاری و گفتاری است و وجود آن بستگی به وجود نشانه‌های آن دارد پس حفظ عفاف بدون رعایت نشانه‌های آن ممکن نیست. عفت نمی‌تواند یک امر صرفاً درونی باشد و هیچ علامت بیرونی نداشته باشد.

آثار و نتایج " عفاف و حجاب "

۱- آرامش درونی و روحی فرد : حجاب، نه تنها آزادی زن را سلب نمی‌کند بلکه به او احساس امنیت و آرامش درونی می‌بخشد، زیرا مانع از دست دادن شخصیت و شأن او می‌شود . به همین علت حجاب را مصونیت می‌دانیم؛ زیرا حجاب از حریم شخصی زن که با هیچ چیز نمی‌توان آن را معامله کرد، صیانت می‌کند. بنابراین ؛ عفاف یا همان «خویشتن‌داری» با نمود یافتن در حجاب زن، چنان توانایی برجسته روحی به وی می‌دهد که او را در برابر هجوم سرکش تمایلات

نفسانی پایدار می نماید و او را در فراز و فرود زندگی، به کمال میرساند. چنین زنی آن چنان وقار و عزتی دارد که دیگر هیچ تند بادی از آزمندی، فزون خواهی و خشونت طلبی نمی تواند روح پاک و زلال وی را آشفته سازد.

۲- آرامش روحی جامعه (بهداشت روانی اجتماع): دین اسلام برای حضور انسانی زن و فعالیت او در اجتماع، اهمیت خاصی قائل شده است، اسلام با اصل بیرون رفتن زن از خانه و فعالیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زن مخالف نیست، حتی بر مواردی همچون علم آموزی سفارش می کند. اما همه این امور باید در چارچوب دستورات و معیارهای اسلامی باشد. عده ای حجاب را فقط امری شخصی تلقی می کنند، اما حجاب، مسئله ای اجتماعی است که مستقیماً در روابط جامعه مؤثر است و وضع ظاهری افراد در دید و روح ناظرین اثر می گذارد. پس رعایت نکردن پوشش، در حقیقت تجاوز به حقوق و آزادی معنوی و روحی دیگران است. آنچه مانع پیشرفت جامعه می شود، پوشش زنان نیست بلکه مانع حقیقی؛ پوشش نامناسب زن است. بی حجابی و اختلاط نامناسب زن و مرد، موجب بهم خوردن اخلاق و نظم اجتماعی می شود. هرچند مخالفین حجاب خرده گیری کرده و گفته اند: حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است؛ اما باید گفت: این بی حجابی و ترویج روابط آزاد زن و مرد است که موجب فلج کردن تمامی نیروی اجتماع است. حجاب روش عاقلانه ای برای جلوگیری از این اختلال و فرسایش نیروی کار جامعه است. با عفاف و خویشترداری و حجاب می توان از هزرفتن استعدادها، توان ها و امکانات جلوگیری نمود و به بالندگی و رشد ارزشها در اجتماع دست یافت. در خصوص اهمیت وجود عفاف و حجاب در اجتماع برای جلوگیری از هدر رفتن استعدادها و داشتن جامعه ای سالم، حکایتی جالب را بیان می نمایم: در داستان های موسی بن عمران علیهما السلام آمده است: او با تلاش های پی گیر خود به تدریج بر ستمگران پیروز شد و پرچم توحید و عدالت را در نقاط زمین به اهتزاز در آورد. حضرت موسی (ع) برای نجات ملت «انطاکیه» راهی جز سرکوبی ستمگران و فتح آن شهر و حومه نمی دید. برای اجرای این امر، سپاهی به فرماندهی «یوشع و کالب» تشکیل داد و آن سپاه را به انطاکیه رهسپار کرد. عده ای از مردم نادان و اغفال شده انطاکیه به گرد دانشمند خود «بلعم باعورا» که اسم اعظم را می دانست، جمع شده از او خواستند تا درباره حضرت موسی (ع) و سپاهش نفرین کند. بلعم باعورا ابتدا این پیش نهاد را رد کرد ولی بعد بر اثر هواپرستی و جاه طلبی جواب مثبت داد. سوار بر الاغ خود شد تا بر سر کوهی رود که سپاه حضرت موسی (ع) از بالای آن پیدا بودند و در آن جا نفرین کند. در راه الاغش از حرکت ایستاد، هر چه تلاش کرد الاغ به پیش نرفت. آن قدر با ضربات تازیانه به این حیوان زد تا کشته شد. سپس آن را رها کرد و پیاده به بالای کوه رفت. در آن جا هر چه فکر کرد اسم اعظم را به زبان آورد و نفرین کند، به یادش نیامد. با کمال سر افکندگی برگشت و چون تیرش به هدف نخورده بود، سخت مغلوب هوس های نفسانی گشت؛ برای سرکوبی سپاه حضرت موسی (ع) راه عجیبی را به مردم انطاکیه پیش نهاد کرد که همواره استعمارگران برای شکست ملت ها از آن استفاده می کنند؛ به این طریق که مردم انطاکیه را به اشاعه فحشا و انحراف جنسی و گرفتن پوشش از بدن زنان و دختران ترغیب کرد؛ به این معنا که دختران و زنان را گفتند که خود را با وسایل آرایش بیارایند و آن ها را همراه اجناس مورد نیاز به عنوان خرید و فروش وارد سپاه حضرت موسی (ع) کنند. و سفارش کرد که هرگاه کسی از سربازان سپاه موسی (ع) قصد معاشرت با آن دختران و زن ها را داشت، مانع او نشوند. آن ها همین کار را انجام دادند و طولی نکشید که سپاه موسی (ع) با نگاه های هوس آلود خود به زنان آرایش کرده، رفته رفته در پرتگاه انحراف قرار گرفتند تا آنجا پیش رفتند که بیماریهایی همچون طاعون شیوع پیدا کرد و لشکر موسی (ع) از هم پاشید تا آن جا که نوشته اند: بیست هزار نفر از سپاه موسی (ع) به خاک سپاه افتادند و با وضع اسفناکی سقوط کردند.

۳- پایداری نظام خانواده: رعایت عفاف در رفتار و گفتار، خانواده را سالم و آسیب ناپذیر نگه می دارد. سست بودن نظام خانواده در غرب، مهر تأییدی بر نتایج زیانبار نداشتن عفاف در جامعه غرب می باشد.

۴- پیشگیری از خشونت علیه زنان: زن مظهر جمال و مردش یافته جمال زن است، تفاوت در حد پوشش به سبب همین تفاوت طبیعی زن و مرد است. پوشش زنان، زمینه تحریکات جنسی را کاهش می دهد و موجب می شود که کسی مزاحم زنان نشود. بدین ترتیب، پاکي و شخصیت زنان از طمع و آزار بیماردلان حفظ می شود و از خشونت علیه زنان، تجاوزات و ... پیشگیری می شود. اگر در جامعه ای، حجاب و عفاف در روابط اجتماعی با نامحرم عملی گردد، جرم و جنایت و فساد کاهش چشمگیری پیدا می کند. حجاب و عفاف برای دختران و زنان جوان، حتی غیر مسلمان، به مثابه یک مانع ظاهری و سلاح مؤثر است. بخاطر اهمیت این موضوع، رعایت حجاب حتی قبل از ظهور اسلام در میان قبایل، طوایف و ادیان مختلف مورد توجه بوده است.

۵- حفظ کرامت انسانی و افزایش ارزش زن: ارتقاء مفهوم زن از یک کالا و شیء به یک انسان: امام خمینی (ره) در توضیح نگرش غربی به زن بعنوان یک کالا، تعبیر زیبایی داشته و فرموده اند: «در خصوص زنان، اسلام هیچگاه مخالف آزادی آنها نبوده است. به عکس، اسلام با مفهوم "زن شیئی شده" و به عنوان شیئی، مخالفت کرده است و شرافت و حیثیت وی را به وی بازگردانده است.»

استاد شهید مرتضی مطهری در این باب در کتاب مسئله حجاب نوشته است: «نگه داشتن حریم میان زن و مرد باعث می شود زن از مقام و موقعیت خود در برابر مرد حفاظت کند. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و باوقارتر و عقیف تر باشد و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می شود.»

ویل دورانت نیز در کتاب لذات فلسفه می نویسد: «آنچه بجویم و نیابیم عزیز و گرانبها می گردد» و در جایی دیگر از کتاب می گوید: «مرد بر خلاف آنچه ابتدا تصور می رود، در عمق روح خویش از ابتذال زن و از تسلیم و رایگانی او متنفر است. مرد، همیشه، عزت و استغنا و بی اعتنائی زن را نسبت به خود ستوده است.»

اینک به بیان این مسئله می پردازیم که آیا می توان گفت: عفاف، صرفاً همان حالت درونی و نفسانی است و به بروز خارجی و اجتماعی آن حالت نفسانی، ربطی ندارد؟!

*برای پاسخ به مسئله، ابتدا به تعریف لغوی واژه حجاب و فلسفه وجودی آن و سپس به بررسی ارتباط متقابل عفاف و حجاب و دیدگاههای قرآن کریم در این خصوص می پردازیم :

تعریف لغوی واژه حجاب:

کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب . هرچند بیشتر به معنای پرده بکار برده می شود ، اما از آن جهت که پرده ، وسیله پوشش است ، کلمه حجاب ، مفهوم پوشش می دهد . استعمال کلمه حجاب در پوشش زن ، اصطلاحی جدید است . در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنای پوشش است به کار رفته است و بهتر هم این بود که این کلمه عوض نمی شد و همیشه همان کلمه «پوشش» به کار برده می شد ، زیرا چنان که گفتیم معنای شایع لغت حجاب ، پرده است و وقتی در مورد پوشش به کار برده می شود ، مفهوم پشت پرده واقع شدن زن به ذهن برخی از افراد می رسد و همین امر موجب گردیده که عده زیادی گمان کنند اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود ، در حالیکه اسلام با توجه به مقام والایی که برای انسانیت زن قائل است از او خواسته تا در معاشرت خود با مردان ، پوشش داشته باشد و به جلوه گری و خود نمایی نپردازد . این ، مفهوم واقعی پوشش و حجاب در اسلام است . آیات مربوط به حجاب در قرآن کریم ، روایات و احادیث و فتوای فقها نیز مؤید همین مطلب است .

فلسفه حجاب :

فلسفه حجاب " رعایت و پاسبانی و حفاظت از حریم عفت " است ، در واقع ، این حجاب و پوشش است که تضمین کننده عفاف و حیا می باشد .

این یک اصل مشخص و واضح برای همگان است که چیزهای با ارزش ، همیشه حفاظت می شوند و صاحبان اموال گرانبها با انواع پوشش ایمنی و حفاظتی آن را از دستبرد سارقان حفظ می کنند؛ به طور مثال در هیچ جای جهان ، یک طلا فروش مغازه اش را بی حفاظ و کنترل رها نمی کند و حتی برای حفظ آن ، تدابیری مانند نگهداری طلا و اموال در صندوق های نسوز با جداره های فلزی و بسیار قوی بکار می برند و یا اینکه در مغازه های خود دوربین های مخفی و زنگ و سیستم های هشدار دهنده نصب می کنند تا از خطرات احتمالی جلوگیری کنند ؛ با این وصف ، وقتی می دانیم که جان و شرف و عفت و عزت انسان از تمام گنجینه های طلای دنیا ، با ارزش تر است ، اگر او بخواهد کالای وجودش را که اینهمه شریف و قیمتی است با پوشش مناسب حفظ نماید ، آیا کاری عبث و بیهوده کرده است ؟؟؟؟؟!!!!

خداوند متعال حجاب را به دلیل وجود ارزشمند و قیمتی زن بر او واجب کرد تا همچنان محترم و ارزش مند باقی بماند ، نه این که فقط وسیله ای برای هوسرانی بیمار دلان باشد .

گوهر هستی زن همانند مرواریدی است که نیاز به صدف و محافظی دارد تا آن را از خطرات و آسیبهها در امان نگه دارد ، مروارید اگر درون صدف نباشد ، هیچ گاه نمی تواند در زیر آب از خطرات مصون بماند ، پس کدام صدف ، زیبا تر از صدف حجاب ؟ کدام حفاظ مطمئن تر از صدف نجابت و حیا ؟! آری ، حجاب بهترین وسیله برای حفظ امنیت دختران و زنان و بهترین پوشش برای جلوگیری از مزاحمت ها و خطرات است . پس حجاب نه تنها مانع

آزادی زن نیست بلکه مایه آزادی و رشد و تعالی اوست ..

در واقع ، پوشش و حجاب همانند سدی است که زن به کمک آن از بسیاری خطرات جسمی و روحی محفوظ می ماند ، امنیت اجتماعی بیشتر و بهتری پیدا می کند و عفت و شرفش از دست برد دزدان شرف محفوظ می ماند . زن با حجاب ، عملاً دست رد بر سینه ناپاکان می زند ، به همه اعلام می کند که برای پاکي و

عفت خود ، حرمت قائل است و به هیچ کس اجازه نمی دهد که به حریم عفاف او تعدی کند . زن ، با رعایت حجاب و وقار و متانت و حیای خود پاس دار حرم عزت ، شرف و انسانیت خانواده و اجتماع خویش است و مسئولیتی را که بعنوان یک زن در جامعه به عهده دارد بخوبی به انجام می رساند . و بدید ترتیب ، زن مُحَجَّبه ، تجسم عینی حیا و عفت می گردد ، زیرا او بخوبی می داند که حیا ، رمز موفقیت و پیروزی است .

«باحجابی» یعنی به نمایش گذاشتن شخصیت واقعی زن و محدود کردن جسم و آزاد گذاشتن روح و عقل ، و «بی حجابی» یعنی پنهان شدن حقیقت زن در پوشش جاذبه های زنانه او، و از این رو است که :

برخی حجاب را کسر منزلت زن می دانند ، در حالیکه حجاب ، اوج قدرت و کرامت زن است .

برخی حجاب را کسر شأن و شخصیت زن می دانند ، در حالیکه حجاب ، پیام آور شهامت و شرافت زن است .

برخی حجاب را هتک حرمت زن می دانند، در حالیکه حجاب، مبین ارزش و حیثیت زن است.

برخی حجاب را محبس و زندان زن می دانند، در حالیکه حجاب، نهایت تعالی و مناعت طبع آزاد زن است.

حجاب جایگاه پاکی و تقوا و متانت زن است،

حجاب، ملاک زیبایی اندیشه و فکر و درایت زن است.

حجاب، حد فاصل برده شدن و آزاده بودن زن است.

حجاب، ممیز انسانیت و سبعت است.

و آنگاه که دل در پرده حجاب می افتد و در زمره آنانی می شود که خداوند متعال بر دلها و گوشها و دیدگان آنان مهر و پرده ای می افکند، جسم بی پرده و عریان می گردد.

اما آن زمان که جسم به پرده حجاب آراسته گردید؛ دل، بی پرده در حریم ملکوت مأوا می گزیند و " این است فلسفه وجودی حجاب "

ارتباط متقابل عفاف و حجاب:

یکی از بنیانهای فلسفی عفاف، کمال‌گرایی انسان می باشد. بر همین اساس، خصلت انسانی "خویشتن‌داری" باید در وجود انسان نهادینه گردد تا " نگاه انسانی به انسان " معنا یابد و برای تحقق همین امر بود که در میان اقوام، ملل، تمدن‌ها و ادیان جهت حفظ خصلت انسانی حیا و عفت، « پوشش » بکار برده شد. بنابراین؛ عفاف از یک سو به عنوان یک مسأله‌ی اصلی و بنیادین و فراتر از حجاب و پوشش مطرح است و از سوی دیگر، رابطه‌ی تنگاتنگی با آن دارد؛ چرا که به عنوان یک خصلت و ارزش، پوشش را به ارمغان می آورد. یکی از نشانه‌های بارز عفاف، پوشش و حجاب می باشد. بطور کلی، " عفاف " که مورد تأیید همه انسانها می باشد، همان روح " پوشش " است و پوشش مانند کالبد و جسم آن می باشد، در حقیقت؛ عفاف بدون رعایت پوشش، قابل تصور نیست. نمی توان ادعا کرد که میتوان بدون پوشش، حریم عفت خود را محافظت نمود، این دیدگاه که بدون حجاب و با آرایش و جلوه‌گری و خودنمایی، می توان حضوری انسانی (و نه جنسی) در جامعه داشت و عقیف بود، به شوخی بیشتر شبیه است تا سخنی قابل دفاع. امکان ندارد کسی با تمام توان، دیده دیگران را به زیبایی‌ها و جاذبه‌های طبیعی و ساختگی زنانه خود فر ا بخواند و در همان حال از آنها بخواهد که به ظاهر من نگرید و به درون من بنگرید که انسانی عقیف و خویشتن‌دار هستم!! خود او نیز اگر در وجدان خود اندکی ببیند، خود را عقیف نخواهد دانست، زیرا ظاهر؛ نشان باطن است و حق و باطل، نشانه‌های متفاوت دارند. نمی توان نشانه باطل بر پیشانی حق زد و یا حق را در باطل جست.

کوتاه سخن آنکه، عفاف و حجاب دو امر جدایی ناپذیرند. حجاب، پوششی است که کرامت، عفت و وقار زنان را تضمین می نماید. لذا باید حجاب را میوه و ثمره‌ی عفاف دانست. حجاب همچون صدفی است که گوهر عفاف را مصون نگه می دارد. نشانه بودن «حجاب» برای «عفاف» گریزناپذیر است. پوشش، نشان عفاف است. در خصوص اندازه وابستگی عفاف با حجاب، استاد شهید مرتضی مطهری، حجاب و پوشش را نشانه عفاف می داند و در کتاب مسئله حجاب می نویسد: «حیا و عفاف از ویژگیهای درونی انسان است و حجاب به شکل و قالب و نوع و چگونگی پوشش بر می‌گردد. تفاوت باطن و ظاهر یا روح و جسد و یا گوهر و صدف را می‌توان به عنوان تمثیل در این زمینه به کار برد. به گمان ما اینها دو حقیقت هستند و میزان وابستگی این دو نیاز به تأمل دارد».

تاریخچه پوشش و حجاب:

تاریخ پوشش مرد و حجاب زن، به آفرینش اولیه انسان‌های روی زمین یعنی آدم و حوا بر می‌گردد، آن زمان که آدم و حوا بعد از خوردن میوه درخت ممنوعه خود را برهنه یافتند و احساس شرمندگی کردند و بلافاصله خود را برگ درختان بهشتی پوشاندند. (مهدی آشتیانی، ۱۳۷۲).

پوشش، فرای آنکه به عنوان یک نیاز بنیادین مادی برای بشر به حساب می‌آید، عاملی برای نمایش اعتقاد و شخصیت افراد تلقی می‌شود و نوعی پرچم وجودی انسان است. هرچند شکل‌گیری پوشش در میان اقوام و ادیان مختلف دارای خاستگاه مشترک بوده است، اما در گذر زمان تحت تأثیر عوامل گوناگون، هریک از اقوام، نوعی خاص از پوشش را برگزیده‌اند، و در این میان زنان به دلیل تفاوت در خلقت خود و اشتیاق بیشتری که بصورت فطری به حیا و عفاف و پاکدامنی دارند به مسئله پوشش و حجاب اهمیت بیشتری داده‌اند. ویل دورانت در کتاب لذات فلسفه به این مطلب اشاره نموده و گفته است: « نکته قابل توجه آن است که گرچه حیات آدمیان از همان آغاز با پوشش، پیوند خورده است به دلیل وجود نوعی احساس حیای طبیعی در جنس ماده، زنان در طول تاریخ در امر پوشش، تلاش و جدیت بیش‌تر از خود نشان داده‌اند. » عبارتی دیگر، خداوند متعال، عفاف و حیا را برای زن جزو خصلت وجودی او قرار داده است، در حقیقت؛ حیا و اشتیاق به عفاف و پاکدامنی، یک تدبیر نهفته در خلقت و فطرت زن است که او را وادار می‌سازد به طور ناخودآگاه، خود را از چشم نامحرم بپوشاند. گرایش زن به حفظ

عقّت خویش، از احساس فطری و الهام‌گریزی وی نشأت می‌گیرد و همین مسئله سبب شده است که از همان ابتدای حیات آدمی، بحث پوشش و حجاب بصورت ویژه تر و بارزتر در خصوص زنان مطرح گردد.

تاریخچه و حجاب زن در اقوام جهان:

بررسی های انجام شده درباره ملل و اقوام گذشته نشان می‌دهد در ایران باستان در میان قوم یهود و احنمالا در هند، حجاب وجود داشته است و از آنچه در قانون اسلام آمده سخت تر بوده است. اما در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته است و به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است. (مطهری، ۱۳۶۹). رومیان نیز حجاب داشته اند اما در هند حجاب سخت و شدیدی حکمفرما بوده است و حجاب هندی نیز نظیر حجاب ایران باستان شدید و سخت بوده است. به هر حال آنچه مسلم است این است که قبل از اسلام نیز حجاب در جهان وجود داشته است. (مطهری، ۱۳۶۹).

تاریخچه پوشش و حجاب زن در ایران:

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کاملی، شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند بر روی لباس‌ها بوده‌اند. این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است. برابر متون تاریخی در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر رایج بوده است و زنان هر چند با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است. طبق نقوش برجسته و مجسمه‌های ما قبل میلاد، پوشاک زنان دوره ماد از لحاظ شکل با کمی تفاوت با پوشاک مردان یکسان است و زن و مرد به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده می‌شوند. (ضیاء پور، پوشاک باستانی ایرانیان، ص ۵۴-۵۱)

زنان پارسی نیز از چادر استفاده می‌کردند و آن را بر روی تن خود می‌انداختند، به طوری که تمام لباسهای زیر را می‌پوشاند. نقوش روی فرش بازریریک که در سیبری پیدا شده و مربوط به دوره هخامنشی است، زانی را نشان می‌دهد که پوششی سر اندر پا چیزی شبیه چادر روی همه پوشاک خود داشته‌اند.

جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران‌زمین به گونه‌ای است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایارشا به ملکه «وشی» دستور داد که بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران، زیبایی اندام او را بنگرند، وی امتناع نمود و از انجام فرمان پادشاه سر باز زد و به خاطر این سرپیچی، به حکم دادوران، عنوان «ملکه ایران» را از دست داد.

در دوره اشکانیان نیز زنان پوشش کاملی داشتند و روی آن چادر به سر می‌کردند. چادر زنان اشکانی به رنگهای شاد و ارغوانی و سفید بوده است. این چادر به نحوی روی سر می‌افتاده که عمامه (نوعی کلاه زنانه) را

در قسمت عقب و پهلوها می‌پوشانده است. (همان منبع ص ۱۹۷) از این دوره، نقش برجسته‌ای از پالیر در موزه لوور هست و زنی را نشان می‌دهد که چادر به سر دارد.

در زمان ساسانیان، افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شد. به گفته ویل دورانت پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرأت نداشتند که جز در تخت‌روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمد و رفت کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و برادرشان را ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده است، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان نیامده است. چادر در دوره ساسانیان هم استفاده می‌شده است. (همان ص ۱۱۴) و زنان ساسانی چادرگشاد و پرچینی به سر می‌کردند که تا ساق پا می‌رسیده است. حتی لباس هنرپیشگان زن مانند لباسهای بلند سایر بانوان، تا پشت پا کشیده شده است. (علی سامی، تمدن ساسانی، ج ۱، ص ۱۸۶) پوشش موی سر و داشتن نقاب بر چهره، پس از سقوط ساسانیان نیز ادامه یافته است.

در عصر ایرانی - ترکی، یعنی حکومت‌های غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان، نیز زنان از نوعی مقنعه و چادر استفاده می‌کردند که تمامی سر را می‌پوشاند. معمولاً پیشانی، چانه و دهان را نیز پنهان می‌کرد و روی این مقنعه و روی پیشانی، نواری بسته می‌شد. نوع دیگری از این مقنعه تقریباً همچون چادر هم سر را می‌پوشاند و هم ادامه آن شانه‌ها و تقریباً تمامی بدن را پنهان می‌کرد. این سرپوش‌ها اکثراً به رنگ سفید، سبز و گاه قرمز بود.

تجلیات پوشش در میان زنان ایران چنان چشم‌گیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده‌اند. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۷۸- برتراند راسل، زناشویی و اخلاق، ص ۱۳۵)

کوتاه سخن آنکه، زنان ایران همواره با آداب و رسوم فرهنگی خود با پوشش کامل زندگی کرده‌اند و حفظ حجاب جزئی از فرهنگ آنان به شمار می‌آید.

پوشش و عفاف یک امر فطری است و به طور طبیعی در نهاد انسان (بویژه زنان) به ودیعه نهاده شده است و از آنجا که برای حیات سالم جامعه انسانی ضرورت دارد، در ادیان الهی دارای جایگاه خاصی است و تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش را بر زن واجب و لازم شمرده‌اند. نگاهی گذرا به تاریخچه پوشش در ادیان، این مطلب را به خوبی نشان می‌دهد:

شریعت حضرت ابراهیم(ع):

در آئین مقدس حضرت ابراهیم(ع) مسئله پوشش زنان، حائز اهمیت بوده است. در کتاب تورات آمده است: «رفقه چشمان خود را بلند کرده و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد، از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید؟ خادم گفت: اقای من است. پس برقه خود را گرفته،

خود را پوشانید.» (صفر پیدایش، باب ۲۴، آیه ۶۴ و ۶۵). از این بیان روشن می‌شود که پوشش زن در مقابل نامحرم در شریعت حضرت ابراهیم(ع) وجود داشته است، زیرا رفقه در مقابل اسحاق که به او نامحرم بود، از شتر پیاده شد و خود را پوشاند تا چشم اسحاق به او نیفتد.

پوشش و حجاب زن در آیین زرتشت

در دین زرتشت، لباس یا کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است؛ اما لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش - یعنی چادر یا شنلی بر روی آن - بوده است، مورد تقریر و تنفیذ قرار گرفته است. هر چند که استفاده از سیدره و کشتی - لباس مذهبی ویژه زرتشتیان - توصیه شده است. البته بر هر مرد و زن واجب بوده که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشاند.

پوشش و حجاب زن در آیین یهود

همه مورخان از حجاب سخت زنان یهودی سخن گفته‌اند. ویل دورانت می‌گوید: گفت‌وگوی علنی میان ذکور و اناث، حتی بین زن و شوهر از طرف فقهای دین ممنوع گردیده بود.... دختران را به مدرسه نمی‌فرستادند و در مورد آنها کسب اندکی علم را خطرناک می‌شمردند. با این همه، تدریس خصوصی برای اناث مجاز بود. نپوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می‌ساخت.

در «تلمود» اصلی‌ترین کتاب فقهی که به گفته ویل دورانت، اساس تعلیم و تربیت یهود است، نیز بر لزوم پوشاندن سر از نامحرم، لزوم سکوت زن و پرهیز از هرگونه آرایش برای سایر مردها، پرهیز از نگاه زن به مردان بیگانه، اجتناب از نگاه مرد به زنان نامحرم و لزوم پرهیز از هر امر تحریک‌آمیز، تأکید شده است.

برابر حکم سخت‌گیرانه تلمود، اگر رفتار زن فضیحت‌آمیز باشد، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ کتوبا(مهریه) طلاق دهد و زانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ کتوبا (مهریه) به ایشان تعلق نمی‌گیرد: زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند و فی‌المثل

بدون پوشاندن سر خود، به میان مردان می‌رود، در کوچه و بازار پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبک سری به گفت‌وگو می‌پردازد و زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می‌دهد.

برخورد حضرت موسی(ع) با دختران شعیب که به آنان فرمود تا پشت سر او حرکت کرده، از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند، و نیز سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و روبند، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایسته شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده است و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده، بیانگر کیفیت شدید و سخت‌گیرانه حجاب نزد یهودیان است.

پوشش و حجاب زن در آیین مسیحیت

مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، قدم را فراتر نهاد و با سخت‌گیری بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخت؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می‌شد و طبق نوشته ویل دورانت، در سن بیست سالگی اجباری بود؛ اما از دیدگاه مسیحیت قرون اولیه، تجرد، مقدس شمرده می‌شد. بنابر این مسیحیت، برای از بین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هرگونه آرایش و تزئین فراخواند. برابر متون تاریخی، چادر و روبند، برای همگان - حتی برای خاتون‌های اشراف

- ضروری بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی‌گذاشت؛ بلکه با طلا و نقره و پارچه‌های زربفت آن را تزئین می‌نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجب و حیای کامل در مجالس انس و یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرم، شرکت می‌جستند. در «کتاب مقدس» در مورد لزوم آراستگی به حیا و کنار نهادن آرایش ظاهری

چنین آمده است: همچنین زنان، خویشتن را بیارایند به لباس مژین به حیا و پرهیز؛ نه به زلفها و طلا و مروارید و رخت گران بها، زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود؛ بلکه در سکوت بماند. همچنین ای زنان، و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس، بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبهاست، زیرا بدین گونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت می‌نمودند. افزون بر موارد پیشین، «عهد جدید» نیز لزوم پوشاندن موی سر، به ویژه در مراسم عبادی، لزوم سکوت به ویژه در کلیسا، با وقار و امین بودن زن و نهی از نگاه ناپاک به بیگانگان، دستورات دینی پاپها و کاردینال‌های مسیحی که بر اساس آن پوشاندن صورت الزامی و تزیین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه و سوراخ نمودن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دستبند قیمتی، رنگ نمودن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود، شدت بیشتری را نشان می‌دهد. تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و زنان اروپا به جا مانده، به وضوح حجاب کامل زنان را نشان می‌دهد.

حجاب در آیین اسلام

دین مبین اسلام، به عنوان جامعترین دین، برای حفظ کرامت و شخصیت انسانی و معنوی زن، دستورات حکیمانه ای مبتنی بر لزوم رعایت عفت و حیا در ابعاد گوناگون صادر نموده است. بدون شک، پوشش زن در برابر مردان بیگانه، یکی از ضروریات دین اسلام است. اسلام وجوب پوشش زنان را متناسب با شئون انسانی، با تعدیل و نظم مناسب و به دور از افراط و تفریط، سهل‌انگاری مضر یا سخت‌گیری بی‌مورد به جامعه بشری ارزانی داشته است. حجابی که اسلام برای زنان تعیین فرموده، به معنای در خانه ماندن و نداشتن فعالیت اجتماعی نیست، بلکه زنان با رعایت کامل عفاف و حجاب می‌توانند در اجتماع و هر جا که ضرورت داشته باشد حضور داشته باشند. در دین اسلام، معنای عفاف و حجاب، گستره وسیعی دارد و تنها محدود به حفظ پوشش ظاهری نمی‌باشد، بلکه باید در تمامی ابعاد و شؤون زندگی از قبیل گفتار و رفتار و کردار و پوشش رعایت شود. زنان در برابر نامحرم باید از هرگونه خودنمایی و رفتار و کردار و سخن و حرکات جلوه گرانه که به دور از شأن زنانه و موجب تحریک می‌گردد خودداری نمایند. بدین معنا که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خویش را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد تا جامعه ای به دور از هرگونه فساد و آلودگی وجود داشته باشد.

قرآن کریم در آیات مختلفی، زنان را به فروپوشیدن چشم‌ها، آشکار نکردن زینت‌ها، پوشیدگی کامل اندام، سخن گفتن با وقار و بدور از تحریک، دوری از آرایش‌های جاهلیت نخستین، توصیه نموده است.

در روایات نیز پوشیدن جامه بدن‌نما و نازک نزد نامحرم، آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه، اختلاط فساد برانگیز زن و مرد، دست دادن و مصافحه با نامحرم و خود را شبیه به جنس مخالف کردن منع شده است. بنابراین رعایت عفاف و حجاب در زنان از دیدگاه دین مبین اسلام، باید هم در نوع پوشش مناسب و مطابق با دستورات دینی و هم در وقار و طمأنینه آنان در جامعه، عدم صمیمیت ورزیدن با مردان نامحرم و... نمود پیدا کند. قابل ذکر است هرچند در خصوص رعایت عفاف و حجاب در دین مبین اسلام به زنان توصیه‌ها و دستورات بیشتری داده شده است، اما برای مردان نیز دستورات لازم الاجرائی قرار داده شده است. از دیدگاه دین مبین اسلام، مردان نیز باید عقیف باشند؛ مردان با غیرت، به هدایت و کنترل همسر و دختران و سایر محارم خود، عفت نسبت به زنان مردم و دوری از چشم‌چرانی نسبت به نامحرم توصیه شده‌اند. علاوه بر عفت چشم، در روایات دینی به عفت زبان و کنترل آن از هرزه‌گویی و گفتار خلاف عفت نیز توصیه‌های زیادی شده است، در ادامه مباحث به بررسی عفاف و حجاب از منظر قرآن کریم پرداخته خواهد شد:

عفاف و حجاب از منظر قرآن کریم:

از منظر قرآن کریم "عفاف" یک از صفات انسانی و ملکه‌ی نفسانی و زینت باطنی است که موجب می‌شود تمام اعمال و حرکات و گفتار و پوشش انسان، عقیفانه و فاقد رذایل نفسانی باشد.

قرآن کریم در آیه ۵ سوره مؤمنون، یکی از ویژگی‌های مؤمنان راستین را، عفاف و پاکدامنی می‌داند و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَعْتَابِهِمْ حَافِظُونَ؛ آنان [مؤمنان] کسانی هستند که دامان خویش را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند و پاکدامند». و در آیات دیگری نیز به لزوم داشتن رفتار عقیفانه، از جمله رعایت عفت در گفتار، نگاه، رفتار، پوشش، کردار، به همه انسانها و بویژه به زنان، تأکید می‌فرماید.

قرآن کریم محدوده و نوع رفتار زنان مؤمن را در ارتباط با نامحرم به طور واضحی مشخص نموده و دستور فرموده است که صحبت کردن زنان با نامحرم باید عقیفانه و به دور از نرمش و نازک کردن صدا باشد و از هرگونه سخنان غیرضروری و بی‌بهره پرهیز کنند. در نگاه به نامحرم نیز زنان همانند مردان از چشم‌چرانی منع شده‌اند و باید از نگاه بد و هوس آلود چشم‌پوشی کنند؛ چرا که دیده به منزله‌ی دروازه‌ی دل است و اگر کنترل نشود در کشاندن آن به سمت گناه نقش زیادی دارد. قرآن، زنان را مکلف می‌کند جاذبه‌ها و زینت‌های ظاهری و باطنی خود را آشکار نکنند، مگر آنچه نمایان است.

از منظر قرآن کریم، زنان باید پوششی مناسب که تمام گردن و سینه و اندام‌ها و زینت‌های پنهان آنها را بپوشاند داشته باشند که هم موجب تهییج مردان نگردد و هم موجب آزار و اذیت خود آنها توسط افراد بیمار دل نشود. کردار و راه رفتن آنها نیز باید به دور از جلوه‌نمایی، خودنمایی و هرگونه جلب توجه باشد. در نظام مقدس اسلام، این امور، کاملاً حکیمانه و به مصلحت زن و اجتماع وضع گردیده است.

کوتاه سخن آن که ؛ عفاف و حجاب مورد تأیید قرآن ، در تمام ابعاد انسانی ظهور پیدا می کند و نه تنها در پوشش ظاهری نمایان می شود بلکه در فکر و اندیشه ، رفتار و گفتار و کردار زن آشکار می شود . زن محجبه و عفیف نه تنها حجاب خود را مطابق دستورات پروردگارش برمی گزیند بلکه به شدت مراقب رفتار و حرکات و کردار و گفتارش می باشد که آکنده از وقار و متانت باشد و از هرگونه اختلاط غیر ضروری و شوخی های نا بجا با نامحرم دوری می گزیند و در روابط اجتماعی با نامحرم ، تنها به قدر ضرورت عمل می نماید .

نگاه عفیفاانه از منظر قرآن کریم :

قرآن کریم در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه نور (که به سوره ی عفت و پاکدامنی و حجاب معروف است) به چندین رفتار عفیفاانه اشاره می نماید که یکی از آنها وجوب حفظ و کنترل دیده و نگاه است و می فرماید :

« قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ » :

به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه تر است زیرا خدا به آنچه می کنند آگاه است . « (سوره نور، آیه ۳۰)

« وَ قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ ... »

و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند... « (سوره نور ، آیه ۳۱)

«يَغُضُّوا» از ماده ی « غَضَّ » به معنای کاهش و کم کردن نگاه است و منظور ، چشم پوشی از نگاه حرام و غیرضروری و شهوت آلود است. در لزوم عفت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام ، بین زن و مرد، فرقی نیست و همان گونه که چشم چرانی بر مردان حرام است بر زنان نیز حرام است . حضرت رسول اکرم (ص) می فرماید : «از نگاه های زیادی بپرهیزید ؛ زیرا تخم هوس می پراکند و غفلت می زاید» .

از این رو ، کنترل چشم می تواند از مهم ترین و اساسی ترین اصول عفاف باشد که باید در مرتبه ی اولی رعایت گردد؛ چرا که چشم دروازه ی قلب و روح است و هر چه دیده می بیند دل طلب می کند . امام علی (ع) می فرماید: «العين رائد القلب»؛ چشم ، دل را به دنبال خود می کشد. بدین ترتیب ؛ نگاه آلوده به نامحرم همانند تیری مسموم از سوی شیطان است که قلب انسان را نشانه گرفته و دل و فکر او را مشغول و به دنبال آن ، غریزه را مشتعل می کند و پس از آن فتنه هایی به دنبال می آورد که گاه جبران ناپذیر است . اما کسی که " عفتِ چشم " پیشه کند و نگاه حرام را دنبال نکند ، فکرش ، آسایش و دلش آرامش می یابد و اوصافش نیکو گشته و در نتیجه خداوند شیرینی ایمان و عبادت را به او می چشاند و به ازای فروبستن چشم از حرام ، قدرت مشاهده ی شگفتی های عالم و عظمت الهی را می یابد.

در روایتی که از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است فرموده اند : نگاه کردن (به نامحرم) تیری است مسموم و زهردار از تیرهای شیطان، و هر که آن را از جهت ترس از خدا ترک نماید و چشم از آنچه حرام است بپوشاند در این صورت خداوند ایمانی به وی عنایت فرماید که حلاوت و لذت او را در قلب خود میچشد. و هر که چشمان خود را با نگاه به زن نامحرم پر سازد، خداوند عزیز و جلیل در روز رستاخیز چشمان او را با میخ های آتشناک پر نماید و از آتش دوزخ لبریزشان سازد.

گفتار عفیفاانه از منظر قرآن کریم : (وقار در سخن گفتن)

در آیه ی ۳۲ سوره ی احزاب درباره ی وظایف زنان در لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم می فرماید: (قُلْ لَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا) ؛ «پس به ناز سخن مگوئید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوئید»

" خضوع " در اینجا به معنای این است که زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف نکنند تا مردان بیمار دل را دچار ریبه و خیال های شیطانی کنند و شهوت آنها را برانگیزانند . منظور از بیماری دل ، نداشتن نیروی ایمان است ؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوت باز می دارد . (قولاً معروفا) یعنی سخن معمولی و مستقیمی بگویند که به دور از کرشمه و ناز باشد و شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده دارد. این آیه اشاره به کیفیت و محتوای سخن گفتن و حرمت (حرام بودن) صحبت کردن با ناز و عشوه دارد و صحبت کردن با نامحرم باید عفیفاانه و به دور از نرمش و خضوع و خودنمایی باشد . وقار در سخن گفتن و متانت در کلام و جلوگیری از سخن هیجان انگیز نیز ، از جمله این شرایط است. این وقار هم در آهنگ سخن و هم در محتوای سخن باید رعایت گردد . همچنین بر

اجتناب از هرگونه سخنان بیهوده و غیر ضروری و شهوت انگیز تأکید دارد و متذکر می گردد در صورت عدم رعایت این امر ممکن است در اثر نمایش جاذبه های زنانه و سخنان هوس آلود ، افرادی که در اثر ضعف یا فقدان ایمان از سلامت روحی و روانی و اعتدال نفسانی برخوردار نیستند ، به فکر گناه و فحشا بیفتند و بدین ترتیب هم امنیت فرد و هم امنیت جامعه به خطر می افتد .

قرآن کریم در آیه ۲۵ سوره مبارکه قصص به لزوم حیا و عفت زن در شیوه راه رفتن در حضور نامحرم امر می فرماید . خداوند متعال ، در این آیه شریفه به دختران شعیب اشاره می فرماید و از حیای ایشان در شیوه راه رفتن در حضور نامحرم سخن می گوید : « فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرًا مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ... » پس یکی از آن دو زن در حالی که به آزر (وقار و حیا) گام بر می داشت نزد وی آمد [او] گفت پدرم تو را می طلبد تا تو را به پاداش آبدادن [آگوسفندان] برای ما مزد دهد و چون [موسی] نزد او آمد ... ». بنابراین در این آیه قاعده‌ای کلی بیان شده که زن مسلمان چنان رفت و آمد کند که علائم وقار و عفاف از او هویدا باشد .

حدود و چگونگی پوشش عقیفانه از منظر قرآن کریم :

مسأله ی حجاب و پوشش زن و مستور نمودن زینت های ظاهری و باطنی وی از منظر قرآن کریم ، اهمیت بسیاری دارد. در دو سوره از سور قرآن ، بحث حدود و چگونگی پوشش ظاهری بانوان به طور کامل و مبسوط بیان گردیده است :

** سوره نور آیه ۳۱ و سوره احزاب آیه ۵۹

بررسی آیه ۳۱ سوره نور در مورد حدود پوشش و حجاب:

خداوند حکیم در آیه ۳۱ سوره نور فرموده است : « وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » ؛ و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را از هر نامحرمی [فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که از زن [بی نیازند یا کودکانی که بر عورت های زنان وقوف حاصل نکرده اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید . ». خداوند متعال در این آیه به صراحت ، زنان را مکلف می کند که نباید جذابیت ها و زینت های خود را برای غیر محارم آشکار سازند ، مگر آن مقدار که طبیعتاً نمایان است.

** « وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ... » : (و (زنان) زینت ها و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست ... ». " لَا يُبْدِينَ " به معنای اظهار و آشکار نکردن است . مراد از زینت زنان ، در واقع محل و موضع زینت است ؛ چرا که آشکار کردن خود زینت از قبیل گوشواره و دستبند حرام نیست ، بلکه منظور محل زینت است . علامه طباطبایی در تفسیر المیزان متذکر همین مطلب شده است . زمخشری در " کشف " می نویسد : " اینکه زینت ، گفته شده و مواضع زینت ، گفته نشده بخاطر تأکید بر پوشش می باشد. زیرا زینت روی مواضعی از بدن قرار می گیرد که جز برای محارم، نظر کردن به آن مواضع جایز نیست و آن مواضع، آرنج، ساق، بازو ، گردن، سینه و گوش می باشد. ابن منظور نیز زینت را مطلق زیبایی معنا می کند و می گوید: « لایبیدن زینت » یعنی زنان زینت باطنی (مثل گردنبندها ، خلخال و باز و بند و انگو) را آشکار نکنند، اما لباس و صورت زینت ظاهری است.

مسعود بن زراره از حضرت صادق (ع) نقل می کند که: « من شنیدم وقتی از حضرت درباره زینتی که زن می تواند آشکار کند سؤال شد، فرمود : چهره و دو دست (تا مچ) »

قابل ذکر است که آشکار نمودن چهره و دو دست (تا مچ) هم در صورتی که زینتی به آن اضافه نشده باشد اشکالی ندارد و از آنجا که " زینت " به هر چیزی که به واسطه آن آراستگی صورت میگیرد اطلاق می شود و در معنای اصلی خود مفهومی عام است که هم به زیباییها و آرایه های طبیعی و هم به آرایه های عارضی و

آراستگی اطلاق می گردد ، لذا اگر چهره و دو دست نیز به هر نوعی زینت داشته باشند (زیورآلات ، آرایش و هر نوع زینت دیگری در این مواضع) پوشاندن آنها واجب است.

بنابراین ، محتوای این آیه ، نهی از خود نمایی و آشکار نمودن زینت و جلوه نمایی و خودآرایی در اندام است .

** خاطر نشان می نماید که در آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب نیز به آشکار نمودن زینتها امر شده است و از واژه " تَبَرُّجٌ " استفاده شده است : « وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ... » ؛ در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت نخستین زینتهای خود را آشکار مکنید (به خودنمایی و خودآرایی از خانه بیرون نشوید) ... ». بررسی متون و فرهنگهای لغوی روشنگر آن است که " تَبَرُّجٌ " به معنای خودنمایی و جلوه گری است.

«القاموس المحيط» " تَبْرُج " را خود نمایی و ظاهر نمودن زینت در مقابل مردان معنا کرده و نوشته است: « تَبْرَجَتْ : یعنی زن زینت خود را برای مردان ظاهر کرد. » زبیدی نیز در شرح قاموس اقوال مختلفی را بیان می کند که همه آنها تبرج را به معنای خودنمایی گرفته اند. «مقایس اللغه» ریشه آن را برج می داند و می گوید: «معنای تبرج نشان دادن زیباییهاست .»

" تَبْرُج " را مفسرین مختلف به « تبختر و تکبر در راه رفتن، اظهار زینت نمودن، لباس نازک پوشیدن، آشکار نمودن آنچه مخفی است » تفسیر نموده اند.

* در ادامه آیه ۳۱ سوره نور آمده است: « وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ؛ و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند... ». در این آیه توصیه می فرماید که زنان باید سرپوش ها و روسری های خود را برگردن انداخته و حایل قرار دهند (تا علاوه بر سر ، گردن و سینه ی آنها نیز پوشیده شود) .

«خُمُر» ؛ جمع خِمَار و عبارت است از مقنعه ها ، به معنای جامه و پوششی (سر پوشی) است که زنان سر و موی خود را با آن می پوشانند . راغب اصفهانی، اصل آن را پوشاندن اشیاء می داند و می نویسد: خِمَار وسیله ای است که با آن چیزی را می پوشانند ولی عرفاً مختص به چیزی شده که زن ، سر خودش را با آن می پوشاند . طریحی نیز ضمن اینکه به معنای فوق تصریح کرده ، علت نامیده شدن مقنعه به «خِمَار» را همین مطلب می دارد. «جُيُوب» جمع جیب ، به معنای گریبان و سینه است.

علامه طباطبائی در تفسیر آیه فوق می گویند:

«خمار جامه ای است که زن ، سر خود را با آن می پوشاند و زائد آنرا به سینه اش آویزان می کند. مراد از جیوب ، سینه هاست و معنای آن این است که به زنان دستور بده تا اطراف مقنعه ها را به روی سینه های خود انداخته آنرا ببوشانند.»

بنابر نقل تواریخ ، رسم بر این بود که زنان عرب معمولاً لباس هایی می پوشیدند که یقه ی پیراهن و گریبان هایشان باز بود و دور گردن و سینه را نمی پوشانید. روسری هایی هم که روی سر خود می انداختند از پشت سر می انداختند(همانطوری که هم اکنون بین مردان عرب متداول است) به طوری که گوش ها و بناگوش ها و گوشواره ها و جلوی سینه و گردن آنها نمایان می گشت. لذا این آیه نازل شد که باید پوشش ها و روسری ها خود را از دو طرف روی سینه و گریبان خود بپفکند تا قسمت های یاد شده پوشیده گردد. به تعبیر ابن عباس یکی از صحابی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) ، تفسیر آیه این است که زن باید مو و

سینه و دور گردن و زیرگلوی خود را ببوشاند . این آیه ، با اشاره به کیفیت پوشش و حجاب زنان روشن می سازد که آنان باید تمام اندام و سر و سینه و گردن و موهای خود را در برابر نامحرم ببوشانند و در پوشاندن خویش نهایت عفاف را رعایت کنند و پوشش باید آن گونه باشد که هیچ برآمدگی و فرورفتگی اندام ، نمایان نباشد.

* در ادامه آیه آمده است: « وَ لَأَ يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ ... : (و زنان) پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از

زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد » برای بار سوم در آیه لفظ « زِينَتِهِنَّ » به کار رفته است. در اینجا به زنان دستور می دهد که با وقار و متانت راه بروند و پای خود را طوری به زمین نزنند که زینتهای پنهان آنها (خلخال یا هر آنچه که شبیه آن (در جامعه امروز ما که دیگر خلخال رایج نیست ، منظور زینتهایی از قبیل کفشهایی که با سر و صدا جلب توجه می کنند می باشد) آشکار گردد و هنگام راه رفتن با ایجاد سروصدا باعث جلب توجه مردان نامحرم شود.

* در پایان آیه شریفه خداوند متعال همه مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: « وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ؛ ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید .»

قرآن کریم به لزوم عفت و پوشش در زنان با تعابیر مختلف اشاره کرده و زنان را از هتک حرمت خود با بدحجابی و بی حجابی و خودآرایی و خود نمایی در برابر نامحرم نهی فرموده است . قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره احزاب، بصورت مبسوط تر و کاملتر حدود حجاب را معین نموده است :

بررسی آیه ۵۹ سوره احزاب در مورد حدود پوشش و حجاب:

آنچه در آیه ۳۱ سوره نور بیان گردیده ، حداقل پوشش و حجابی است که زنان مؤمنه باید داشته باشند ، یعنی پوشش سر و گردن و سینه ها. اما همان طور که در تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب خواهد آمد، خداوند پوشش کاملتری را نیز ، برای زنان مؤمنه بیان می دارد .

خداوند متعال در آیه ۵۹ سوره ی احزاب فرموده است: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ؛ ای پیامبر به همسران و دخترانت و به زنان مؤمنین بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند (جلباب ها (روسری های بلند – چادرهای) خود را بر خویش فروافکنند) این کار برای اینکه به عفاف و پاکی شناخته شوند و (در نتیجه) مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خداوند آمرزنده مهربان است .

سبب نزول این آیه آن بوده است که شب هنگام که زنان مسلمان به قصد رفتن به مسجد و شرکت در نماز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از خانه بیرون می رفتند، جوانان سر راه آنان می نشستند و با سخنان ناروا معترض آنان می گشتند.

* در این آیه شریفه به زنان استفاده از "جَلَابِيب" امر شده است. «جَلَابِيب» جمع جَلَابِيب است. "جَلَابِيب" به معنای جامه ای بلند و گشاد و سرتاسری است که تمام بدن را می پوشاند و از چارقد بزرگتر و از عبا کوچکتر است و زن به وسیله آن سر و سینه اش را می پوشاند. بعضی از لغو پین متأخر نیز این معنا را پذیرفته اند و با اضافاتی در تعابیر خود آورده اند. از جمله طریحی می گوید: "جَلَابِيب" جامه ای است که از روسری بزرگتر و از عبا کوچکتر است که زن به وسیله آن سرش را می پوشاند و باقی آن را روی سینه اش رها می سازد.

و برخی آن را به معنای روسری مخصوصی می دانند که صورت و سر را ساتر شود بطوریکه این پوشش، زیر گلو و سینه ها را محفوظ بدارد. از مجموع این معانی معلوم می شود که (جَلَابِيب) از روسری امروزی بسیار بزرگ تر بوده به طوری که حجم زیادی از بدن را می پوشاند و معمولاً در خارج از منزل از آن برای پوشش استفاده می کرده اند و برخی آن را معادل چادر می دانند. چنانچه در «قاموس قرآن» پس از آنکه تعابیر و تعاریف لغت شناسان را در مورد «جَلَابِيب» بیان نموده است می گوید: «با این قرائن و آنچه از کتب لغت نقل گردید، می توان گفت جَلَابِيب، ملحفه و لباس بالایی و چادر مانند است، نه فقط روسری و خمار»

* منظور از «يُدَيِّنُ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَلَابِيبِ» آن است که روسری خود را به خود نزدیک کنند یا جلو بکشند و طوری بپوشند که زیر گلو و سینه هایشان در انظار ناظرین پیدا نباشد.

* در تفسیر «ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» آمده است :

«این نحو پوشش برای آنها بهتر است تا به پوشیدگی و صلاح و سداد شناخته شوند و مورد تعرض افراد فاسق واقع نشوند»

استاد شهید مرتضی مطهری در تحلیل امر استفاده از جَلَابِيب به زنان در این آیه، می نویسد: «بنابراین در این فراز، قاعده‌ای کلی بیان شده که زن مسلمان چنان رفت و آمد کند که علائم وقار و عفاف از او هویدا باشد.»

آنچه در این آیه قابل توجه و دقت است این است که در این آیه، خداوند حدود پوششی بیش از آنچه درسوره نور آمده بود، بیان می دارد، گویا خداوند برای همسران و دختران پیامبر و همسران مؤمنین حجابی کاملتر و با دقت بیشتر توصیه می نماید و آن پوششی سرتاسری است که از آن در تفاسیر به چادر تعبیر شده که به وسیله آن به طور سرتاسری اندام زن پوشیده شود و علاوه بر آن، می گوید که این پوشش سراسری را رها نکنند،

بلکه آن را به خود نزدیک کنند و به تعبیر ما، خود را به طور کامل بپوشانند تا به عفت، پاکي و صلاح شناخته شوند و مورد آزار فاسقان قرار نگیرند؛ این همان حجاب برتر و کاملتر است که زنان با ایمان که در امر پوشش خود دقت بیشتری دارند آن را رعایت می نمایند.

این نکته قابل ذکر است که مخاطب قرار دادن زنان پیامبر در قرآن، هرگز بدان معنا نیست که این حکم ویژه آنان است. وَ هَبْهَ زُحَيْلِي می گوید: هر چند خطاب در آیه متوجه زنان رسول خدا شده اما در حکم و معنا، دیگر زنان نیز شریک اند و مخاطب قرار دادن زنان رسول خدا (ص) از جهت شرافت آنها والگو و سرمشق آنان برای دیگران می باشد.

بنابراین قرآن کریم بطور واضح، چگونگی و حدود پوشش زنان را بیان داشته و پوشش سر، گردن و سینه ها و پنهان ساختن زینت هائی که به صورت طبیعی ظاهر و آشکار نمی باشد را واجب و لازم نموده است. اتفاق نظر همه مفسران از زینت های آشکار وجه و کفین (چهره و دو دست) تا مچ) است.

علاوه بر پوشش سر و گردن و سینه، جَلَابِيب که از آن به چادر تعبیر می گردد، لزوم پوشش سر تا سری بدن را به نحوی که حجم آن مشخص نباشد روشن می سازد.

*** در پایان این مبحث، در باب نوع پوشش، نظر آیت الله بهجت را بیان می نمایم :

حجاب کامل، مطلقاً همان چادر است، غیر چادر هم اگر درپوشاندن کل بدن و حجم بدن مثل چادر باشد مثل لباسهای بلند و گشاد که کار چادر را میکند جایز است، اما لباسهای تنگ و چسبان مثل مانتوهایی که حجم بدن کاملاً مشخص است و سبب تحریک و مفسده میشود حرام است.

عفاف و حجاب حضرت زهرا (س):

زنان مسلمان با پیروی از برترین الگوی عفاف و حجاب و وقار می توانند موجب تعالی خود و جامعه گردند. بی شک این الگوی برتر، همان پرورش یافته مکتب رسول خدا (ص) "حضرت فاطمه زهرا (س)" می باشد. حضرت زهرا اطهر (سلام الله علیها) بانوی بزرگواری که مظهر کمالات الهی او برترین اسوه ی انسان ها به ویژه زنان می باشند، از نظر عفاف و حجاب الگوی بی نظیری هستند که با دقت در سیره و زندگانی آن حضرت به اوج عظمت ایشان در همه ی عرصه ها، به ویژه حیا و عفت و حجاب، می توان پی برد. نقل است که هرگاه کسی به در خانه حضرت زهرا می آمد، حضرت برای پاسخ به فرد پشت در، دستان مبارک خود را در

دهان قرار می دادند. همچنین روایت شده حضرت در هنگام سخنرانی کوبنده خویش در مسجد، لحن صدای خویش را به حالت بم تغییر داده اند و اینگونه در گفتار عفت پیشه می کردند.

امید آنکه با عنایت خداوند سبحان، شاگردان خوبی در مکتب سرور بانوان دو عالم باشیم.

برخی از مصادیق بارز بی حجابی در آیینه روایات :

در ادامه این نوشتار به برخی از مصادیق عفاف و حجاب در آیینه احادیث و روایات می پردازیم :

نگاه و شوخی با نامحرم :

یکی از مصادیق بارز بی حجابی، نگاه و شوخی با نامحرم می باشد. در ثواب الاعمال و عقاب الاعمال آمده است که هر کس با نامحرم شوخی کند، برای هر کلمه‌ای که در دنیا با او سخن گفته است هزار سال او را در دوزخ زندانی می کنند. بنابراین این نکته قابل تأمل است که حجاب و عفاف، تنها محدود به پوشش مناسب نمی باشد، بلکه دامنه وسیعی از رفتار و گفتار و کردار مناسب را نیز در بر می گیرد.

نهی از تَعَطُّر (استفاده از عطر) برای نامحرم :

هر گونه جلب توجهی در مقابل مرد نامحرم، از جمله استعمال عطر در حضور نامحرم، برای زن ممنوع و حرام است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: « هرگاه زنی خود را معطر کند و بر گروهی (از مردان) بگذرد که بوی عطر او رادریابد، زناکار است. ». و در حدیث دیگری فرمود: « هرگاه زنی، خود را معطر نماید. سپس از خانه اش خارج شود تا زمانیکه به منزلش بر می گردد، لعنت می شود. ».

امتناع از پوشیدن لباس شهرت :

از جمله مصادیق خودنمایی پوشیدن لباس شهرت است. لباس شهرت لباسی است که مطابق عرف جامعه نباشد و پوشنده آن لباس غیر متعارف، انگشت نما شود. پیامبر (ص) فرمود: «کسی که لباس شهرت بپوشد، خداوند در روز قیامت از وی روی میگرداند. ».

دلایل بدحجابی و خودنمایی زنان در برابر مردان نامحرم :

بدحجابی و خودنمایی زنان در برابر مردان بیگانه و نامحرم، یکی از مسایل و چالش های جدی در حوزه اخلاق اجتماعی محسوب می شود که عوامل فراوانی دارد که در ادامه این نوشتار به بررسی دلایل و راهکارهای آن می پردازیم :

کسب موقعیت :

انسان موجودی موقعیت طلب است و همواره می خواهد در بین مردم از جایگاهی ویژه و مورد توجه برخوردار باشد. چنین جایگاهی به دو صورت حقیقی و کاذب محقق می شود. موقعیت حقیقی : در اثر تحصیل فضایل انسانی و اخلاقی به دست می آید. اما متأسفانه، برخی زنان سعی می کنند با نمایش زیبایی ها و جاذبه های طبیعی و ساختگی زنانه خود سعی در جلب توجه دیگران نمایند تا دیگران متوجه نقایص و کمبودهای باطنی آنها نشوند. غافل از آنکه نمایش زیبایی های زنانه، هرگز دلیل بر شخصیت و جایگاه ارزشی او نمی باشد. بی حجابی، زن را صاحب فضیلت نمی کند بلکه از او عروسکی می سازد که با رشد و تعالی فاصله ها دارد ضمن اینکه موقعیت های حاصل از این خودنمایی ها، تنها نزد بیماردلانی به وجود می آید که خودشان هم کمترین ارزشی ندارند. تحصیل موقعیت جز از راه به دست آوردن زیبایی های باطنی و فضایل انسانی و یاری خواستن از پروردگار عالم میسر نیست.

ضعف ایمان:

یکی از دلایل بی حجابی، ضعف ایمان است. زمانی که قلب انسان از ایمان به خدا و محاسبه روز جزا به اطمینان نرسیده باشد، در عمل به دستورات الهی کوتاهی می نماید. لذا رعایت حجاب و عفاف که یکی از دستورات الهی می باشد تنها در سایه ایمان حقیقی به خداوند متعال و وعده هایش تحقق عینی می یابد.

ضعف حیا

بی‌حجابی از مصادیق بارز بی‌حیایی است که از ضعف ایمان ناشی می‌شود و ضعف حیا از سستی اعتقاد به مبدأ و معاد سرچشمه می‌گیرد، چنانچه امام صادق (ع) فرموده است: ایمان ندارد کسی که حیا ندارد. پوشش و حیا تفکیک ناپذیرند و زمانی که جلوه‌ای از حیا در زنی وجود داشته باشد، پوشش او نیز با جدیت مراعات می‌شود. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: خدا حیا و پوشیدگی بندگان را دوست دارد.

زنان با حیا کسانی هستند که با پوشش کامل خود از نمایش بدن، موهای سر و زینت‌های خود شرم می‌ورزند. زنانی که اسرار زیبایی‌های جسمانی خود را به نمایش می‌گذارند، پرده بین خود و خدا را دریده‌اند. کامیاب کردن چشم‌های گرسنه نامحرمان کم‌ترین سازشی با پاکی و نجابت ندارد.

بی‌حجابی از القائات بی‌اعتبار شیطان در نفس و جان آدمی نشأت می‌گیرد. بی‌حیایی زنان و دختران جوان غالباً از دوستان بی‌حیا، فیلم‌های مبتذل، جهل به ارزش والای عفت و حیا و تربیت و رفتار خانواده و به ویژه مادر و پدر سرچشمه می‌گیرد. مسایل اخلاقی و تربیتی از ظرافتی خاص برخوردارند و از پایین‌ترین سنین عمر کودک شکل می‌گیرند. بنابراین با توجه به نقش مهم خانواده، نهادینه کردن صفت حیا در فرزندان، وظیفه عمده و اصلی خانواده و به ویژه مادر است که از همان سنین کودکی و حتی سالها قبل از رسیدن به سن تکلیف باید ضرورت داشتن حیا و شرم را برای فرزند خردسال خود هم بصورت گفتاری و هم بصورت رفتار عملی، تبیین نماید تا این صفت در وجود فرزندش (بویژه دختران) به تدریج شکل گیرد و نهادینه شود. در هر صورت از جمله ریشه‌ها و مبانی خودنمایی و بدحجابی زنان ضعف صفت ارزشمند حیا است. صفتی که وجود آن به زن ارزشی بزرگ می‌بخشد و فقدان آن او را از خاک پست‌تر می‌سازد.

زیبایی طلبی

برخی دختران و زنان میل دارند به صورتی زیبا نزد دیگران حضور یابند و با توجه به اینکه حجاب دینی زیبایی‌های آنها را پوشش می‌دهد سعی در ناقص کردن حجاب خود دارند. به همین منظور بخشی از موهای سر و گردن خود را به نمایش می‌گذارند و و غافلند که سادگی زن، خود نوعی زیبایی ارزشی را به همراه دارد. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: پوشیدگی برای زن سودمندتر و زیبایی او را پایدارتر می‌سازد.

غربزدگی

جهان بینی و انسان شناسی هر فرهنگ و مکتب، نقش اساسی و مهمی در انتخاب نوع و کیفیت پوشش دارد. جوامع مختلف متناسب با بینشی که از هستی دارند و ارزشی که برای زندگی قائلند، سبک خاصی برای لباس پوشیدن انتخاب می‌کنند، چرا که نوع پوشش هر انسانی نشانه شأن و شخصیت اوست و در هر ملتی رابطه مستقیمی با معنا و تعریف انسان در آن ملت دارد. در تمدن غرب که بینش مادی دارد و معنویات از آن جا رخت بر بسته است، انسان نیز نوعی حیوان محسوب می‌شود و زندگی او در همین چند سال خلاصه می‌شود و دیگر هیچ! بدیهی است که هدف اصلی در غرب، تنها «لذت طلبی» است و لباس وسیله‌ای برای پوشیدن تن نیست بلکه برای آرایش آن است؛ اما در بینش اسلامی انسان تنها در «جسم» خلاصه نشده، بلکه به مراتب والاتر از آن است. انسان یک موجود «خداگونه» است که هدفش تنها لذت طلبی نبوده، بلکه کمال خواهی معنوی است. زنان و دختران متجدد و غرب زده که چندان به دین و عقیده و فرهنگ خود پای بند نیستند و مایلند آزادانه تر زندگی کنند و خود را ملزم به حجاب نکنند، ناچارند که در مقابل دین خود بایستند و حتی به آن کینه ورزند. مهاجمان فرهنگی نیز دقیقاً بر این نکته مهم دست می‌گذارند و از طریق فرهنگ برهنگی و بی‌حجابی، زنان را از دین و عقاید خود فراری می‌دهند و عملاً آنان را غربی بار می‌آورند. تقلید از غرب یکی از مشکلات دیرینه تعدادی از زنان مسلمان بوده است که بدون کمترین تفکر و تحلیلی از زندگی زن غربی به او اظهار تمایل کرده‌اند. گاهی دختران و زنان مسلمان، در برابر ارزش‌ها و شیوه زندگی فرهنگ خود موضع می‌گیرند و در نهایت ارزش‌های اجتماعی، خانوادگی، آداب و رسوم ملی و فرهنگ خود را به کناری نهاده و به دامان غرب پناه می‌برند، و نمود ویژه این تقلید از زنان غربی در پوشش آنها جلوه می‌یابد. آنها در واقع بین خود و فرهنگ غنی اسلامی خود دیواری ایجاد می‌کنند و به افراد محجبه و متدین، برچسب مرتجع و خرافاتی می‌زنند. ریشه اصلی این تقلید، جهل است. ترسیم گوشه‌ای از آنچه بر زن غربی می‌گذرد، می‌تواند پرده تاریک جهل فریب‌خوردگان جوامع غربی را پاره کند تا به خود آیند. غرب بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی خود زندگی زن را به طور کلی متحول کرد و بی‌رحمانه او را از ارزش‌های خود تهی گردانید و اسرار و زیبایی‌های او را در معرض نمایش همگان قرار داد. غرب در برابر گرفتن حجاب زن چیزی به او نداده است بلکه به دنبال آن ارزش‌های دیگر او را روده است به گونه‌ای که زن غربی فقیرترین زن عالم است. اگر زن غربی در مقابل کشف حجاب و در واقع هتک حرمتش همانند زن مسلمان ایرانی مقاومت می‌کرد و با اتکا بر دین به مبارزه می‌پرداخت به پیروزی می‌رسید اما تسلیم شد و به خاطر همین سرپیچیش از حجاب و عفاف که خداوند در همه ادیان برای زن واجب فرموده بود، بزرگ‌ترین ضربه‌های تاریخی را که به واژگونی او منتهی شد دریافت نمود. پس اگر زنان مقلد زن غربی، سرنوشت او را ببینند، بخوبی درخواست خواهند یافت که نتیجه آن چیزی جز سقوط نبوده است.

اظهار غنای مالی

ریشه خودنمایی برخی زنان، تفاخر و خودنمایی‌های مالی است. اینگونه زنان، دوست دارند دیگران شاهد غنای مالی آنها باشند و برای آنها تفاوتی ندارد که بیننده زن باشد یا مرد. به همین منظور زیورآلات خود از قبیل گردنبند، گوشواره، انگوها و حتی نحوه آرایش مو و چهره و لباس‌های فاخر خود را به نمایش می‌گذارند

و در معرض دید دیگران قرار می‌دهند. شیطان همه را به یک راه منحرف نمی‌سازد بلکه هر کسی را با توجه به برخورداری‌ها و نوع نگرشی که دارد از راه خدا دور می‌کند. چنین زنانی باید بیندیشند که این‌گونه تفاخرهای مالی همراه با نمایش جاذبه‌های زنانه طبیعی یا غیر طبیعی، تمایلات نامحرم‌مان را برمی‌انگیزد و چه بسا غنای مالی، آنها را طعمه دیگران سازد. بینش چنین زنانی بسیار سطحی و ظاهر بینانه است. اگر آگاه شوند که انسان خلیفه خداست و می‌تواند ارزشی برتر از ملایک داشته باشد، روحیه و عملکرد آنها عوض می‌شود و دیگر حاضر نخواهند بود برای یک لحظه خود و دارایی خویش را وسیله معصیت خود و غفلت مردان جامعه کنند. آیا قابل قبول است که انسان، ارزش الهی و انسانی خود را صرفاً برای تفاخر نسبت به دیگران، تا آنجا پایین بیاورد که منجر به نافرمانی از دستورات الهی و خدایی که مالک تمام داراییهای جهان است گردد ؟؟؟!!!!

ملامت دیگران

یکی از ریشه‌های بدحجابی و خودنمایی دختران و زنان؛ ملامت شدن و یا ترس از سرزنش توسط اعضای خانواده، فامیل و دوستان، بخاطر داشتن حجاب است. متأسفانه حتی برخی از دختران و زنانی هم که از سلامت نفس برخوردارند و می‌خواهند از حجاب دینی کامل برخوردار باشند اما راه‌نشان راه خدا به آنها شبیخون می‌زنند و زبان به ملامت می‌کشایند. گاهی کار به جایی می‌رسد که ملامت‌ها حتی از سوی مردان آشنا هم صورت می‌گیرد. هرچند باید خاطر نشان کرد که ریشه اصلی ملامت اکثر این افراد هواهای نفسانی آنهاست. زیرا با بی‌حجابی و خودنمایی زنان و دختران بهتر می‌توانند به اهداف آلوده خود دست یابند. ، زنان و دختران " برای انتخاب راه درست " باید همواره این سؤال را از خود بپرسند: برآستی رضایت چه کسی مهمتر است؟ رضایت خداوند یا بندگانش ؟؟؟!!!!

تقلید و مدگرایی

متأسفانه تقلید و مدگرایی، روحیه خاصی است که در وجود برخی از زنان نهادینه شده است. فرد مقلد و مدگرا همواره سعی می‌نماید از تازه‌های لباس و آرایش مطلع شود و با هر زحمت و قیمتی که هست از آنها استفاده نماید. مدگرایی در جامعه، نتیجه فراموشی دین و مذهب است. تنوع طلبی افراطی زنان و دختران مدگرا، آنان را به اسارت مدسازان درآورده است. مدسازان پشت پرده ای که با تحقیقات وسیع و روان‌شناسی

لازم به آرایه‌های جدید می‌پردازند، به گونه‌ای به طراحی مدل‌های کفش، لباس و قیافه زنان می‌پردازند که پوچی، اسارت، مصرف و تحریک‌آمیزی آنها جهت اغفال جوانان و ایجاد غفلت در جامعه گردد. اما برآستی؛ اگر زندگی آدمی به گشتن در خیابان‌ها، بررسی مدها، تازه‌های لباس و امثال آن بگذرد پس مسوولیت انسانی، آرمان الهی، سعادت اخروی و بسیاری از حقایق و ارزش‌های الهی و خلاصه هدف آفرینش آدمی و جهان پس از مرگ چه خواهد شد؟

خانواده

خانواده، اولین هسته اجتماعی است که نقش اساسی و ریشه‌ای در نهادینه کردن اعتقادات دینی در فرزندان را به عهده دارد. اگر متأسفانه خانواده ای از تعالیم دینی فاصله بگیرند یا دین را فقط به زبان اظهار نمایند اما بطور عملی آن را در خانواده اجرا ننمایند، فرزندان آنها نیز به فرهنگ تسامح به دین که از رهاوردهای تربیتی والدین است خو می‌گیرند و در نتیجه فرزندان آنها نیز نسخه‌های تکراری آنها خواهند بود. یعنی آنها نیز فرهنگ بی‌اعتنایی به احکام دینی را دنبال می‌کنند. بخشی از بدحجابی‌های جامعه منسوب به این خانواده‌ها و والدین می‌باشد. خوشا به حال دختری که از مادری عفیف و پوشیده برخوردار است که روحیه چنین مادری بهترین زمینه حجاب او خواهد بود.

***لزوم اهمیت به حجاب از دوران نوجوانی

برخی معتقدند که دقت و اهمیت در رعایت حجاب در دوران نوجوانی ضرورتی ندارد و به قول بعضی موجب دین زدگی در نوجوانان می‌شود. اما این نکته مهم قابل ذکر است که دوران نوجوانی، اوج عواطف انسانی و گرایش‌های معنوی است و برای رشد و تهذیب و نمو کمالات انسانی نقش بسیار اساسی را ایفا می‌نماید.

بنابراین؛ چنانچه نوجوان در این دوران، نسبت به دستورات دینی و از جمله رعایت مسئله حجاب و عفاف خود، با بی‌قیدی و بی‌اهمیتی مواجه گردد؛ دچار عقب ماندگی‌های جبران ناپذیری در ابعاد اخلاقی، مذهبی و کمالات انسانی می‌گردد، هرچند لازم است که در این مسیر از افراط و تفریط‌های بی‌مورد اجتناب نمود.

تاریخچه کشف حجاب در جهان:

پوشاک با مدنیت و تمدن بشری همواره ارتباط مستقیم داشته و هرچه تمدن انسان جلوتر رفته، تکه‌های پوشش او بیشتر شده است و تنها در قرن بیستم که می‌بینیم تمدن با هزاران تعمد با عربانی و برهنگی همراه می‌شود. طبق نظر براون و شنایدر در کتاب پوشاک اقوام مختلف یهودیان، مسیحیان، اعراب، یونانیان، اهالی رم، آلمان، خاور نزدیک و ... حجاب را به طور کامل رعایت می‌کردند و اکثراً سر خویش را نیز می‌پوشاندند. برابر تصاویر این کتاب، کاهش تدریجی حجاب زنان از

نیمه دوم قرن هجدهم در اروپا آغاز شد ولی حتی تا اواخر قرن نوزدهم، اروپاییان همچنان لباس بلند می پوشیدند و سر را نیز می پوشاندند و همین متداول بودن حجاب در میان ملل مختلف، نشان دهنده تمایل فطری انسان خصوصاً زنان به حجاب دانسته شده است. (پوشاک اقوام مختلف ، ترجمه یوسف کیوان شکوهی)

از نظر تاریخی، شکل نوین پوشش تحت عنوان بی حجابی از قرن نوزدهم آغاز شد. پس از رنسانس و انقلاب علمی- صنعتی به ویژه پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۴ م) با وقوع نهضت به اصطلاح آزادی زنان، کنار گذاشتن حجاب مورد تشویق و تکریم قرار گرفت. به گفته ویل دورانت فیلسوف تمدن نگار غرب، کارخانه داران بزرگ برای استفاده از نیروی کار ارزان قیمت زنان و حضور آنان در محیط کار، تبلیغات وسیعی را آغاز کردند و موجی جدید به وجود آوردند که نهضت زنان برای آزادی نامیده شد و درباره ضرورت آن تبلیغات وسیعی در مطبوعات انجام گرفت. (لذات فلسفه، ص ۱۵۱)

حکومت‌های استعماری تمدن بزرگ اندلس که مرکز کسب دانش و سرچشمه نهضت عظیم علمی و فکری رنسانس بود را با حربه بی حجاب کردن زنان به سقوط کشاندند، به گفته گوستاو لوبون، انحطاط اندلس پس از اخراج و قتل عام مسلمانان و به فساد کشیدن جوانان به اندازه ای سریع و شدید بود که به جرأت می توان گفت تاریخ نظیر چنین سقوطی را ندیده است.

دامنه این اقدامات کم کم کشورهای اسلامی را فرا گرفت. نخستین کشور اسلامی که به صورت رسمی و پلیسی علیه حجاب بانوان اقدام نمود، افغانستان بود. در سال ۱۳۱۳ در ترکیه و یکسال بعد در ایران نیز کشف حجاب اجرا گردید .

امروزه نیز این حرکت ضد حقوقی بشر در کشورهای اروپایی به خصوص فرانسه و ... که اقلیت های مسلمان را تحت فشار قرار می دهند ، ادامه دارد و هزاران تن از زنان از ادامه تحصیل و داشتن شغل محروم هستند . اما در کشورهایی که الویت آنها ، مسلمانها هستند مانند ترکیه، تونس و ... وقتی که اقدام به قانونی کردن ضد حجاب نمودند ، زنان مسلمان با استقامت و اعتراض دست از حجاب برنداشتند.

تاریخچه کشف حجاب در ایران :

نیم نگاهی به دوره های متمدنی زندگی ایرانیان، نشانگر آن است که حفظ حریم عفاف و حجاب در بین آنان از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و این امر خصوصاً در ساختار پوشاک آنان خودنمایی نموده است ، ساختار پوشاک زنان در ایران ، نشانگر عمق نگاه باستانی فرهنگ ایرانی در خصوص پوشش زنان، حفظ حریم عفت میان افراد و تأثیر آن در رشد فرد و جامعه است. تاریخ ایران را که بنگریم در هیچ کجای آن زن ایرانی بدون پوشش دیده نشده است ، مگر آنجا که داستان بیگانگان خواسته این ملت را از تمدن و فرهنگش جدا نماید . یکی از ثمرات هجوم غرب به ایران « کشف حجاب » بود . " کشف حجاب " که در این اواخر از آن به نام " رفع حجاب " یاد شده است در حقیقت همان تغییر لباس و رواج برهنگی در میان قشرهایی از جامعه بوده است که هدف آن مبارزه با پوشش اسلامی و ترویج لباس غربی بوده است . انجام این طرح به دو شرط زیر نیازمند بود :

۱- ایجاد زمینه فرهنگی و اجتماعی برای پذیرش لباس غربی

۲- ایجاد یک عامل اجرایی سلطه گر و غیر معتقد به دین و مذهب

* شرط اول که ایجاد زمینه فرهنگی و اجتماعی برای پذیرش لباس غربی بود توسط غربزده ها تأمین گردید . غربزده ها کسانی بودند که اسلام را نمی شناختند و به غرب خوشبینی مطلق داشتند . آنان ، بیگانه با خویش و چشم بسته ، دلبسته بیگانه بودند. در واقع این قشر معدود همان قشری بودند که قبل از فرو رفتن در لباس غربی و قبل از به دست گرفتن پرچم فرهنگ غرب، آن فرهنگ را پذیرفته بودند و تغییر لباس آخرین و بیرونی ترین پوسته ای بود که در وجود آنها تغییر می کرد. این امر به ظاهر کم اهمیت تنها در جامعه ما اتفاق نیفتاد. در همه مشرق زمین، بسیاری از مردم به دنبال تسلیم در برابر فرهنگ غرب ، جامه غربی به تن کردند . بطور مثال در ژاپن هم که اسلامی در کار نبود ، قبل از غربزدگی ، مردان و زنان لباسهای گشاد و بلند می پوشیدند و به دنبال نفوذ غرب ، خانواده سلطنتی و اشراف ، همزمان با تقلید از رقص و موسیقی و عاداتهای اجتماعی غرب ، لباسهای سنتی خود را کنار گذاشته و لباس غربی رواج یافت . برآستی اگر پذیرش لباس غربی نتیجه سلطه فرهنگی غرب و خود باختگی شرق نیست چرا تاکنون دیده نشده است که حتی یک نمونه از خصوصیات لباس شرقی در مغرب زمین پذیرفته شود ؟ ...

* رضاخان نیز مأمور اجرای این طرح شد که از قبل تربیت و آموزش داده شده بود .

«مستر همفر» جاسوس معروف انگلیسی در باره بی حجابی چنین آورده است : « زنان مسلمان دارای حجابی محکم هستند که نفوذ فساد در میانشان ممکن نیست ، که در این صورت باید زنان مسلمان را فریب داده از زیر چادر بیرون کشید ؛ در مسئله بی حجابی زنان باید کوشش کرد تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند ، با این بیان که به آنها بگوییم که حجاب یک عادت است ... پس از آن که حجاب زن با تبلیغات و سعی ما از میان رفت و آنها را از چادر بیرون آوردیم ، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به و روابط نامشروع با زنان تشویق کنند و بدین وسیله فساد را در جوامع اسلامی بسط دهند . و بدین ترتیب بود

که در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ هجری شمسی (مطابق ۱۹۳۵ م) رضاخان در ایران دستور کشف حجاب را صادر نمود و در یک اقدام خشن از سوی نیروی انتظامی در سراسر کشور ، حجاب زنان از سر آنان به زور برداشته شد و حضور زنان و دختران با حجاب در مدارس و ادارات ممنوع شد و از آن پس، هیچ زنی حق پوشیدن چادر و نقاب را نداشت و اگر زنی با چادر و روبنده دیده می شد، مأموران دولتی از او می خواستند روبنده و چادر خود را بردارد و اگر خودداری میکرد، به زور، چادر را از سر او برمی داشتند . این اقدام با مبارزاتی از طرف علما و بزرگان دین مواجه گردید . از جمله واکنش آیت اله مرعشی نجفی بود ،ایشان با شجاعت تمام، در برابر رئیس پلیس قم که سعی داشت در حرم مقدس حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام ، حجاب زنی را به زور از سرش بردارد، ایستادگی کرد و سیلی محکمی بر گوش او نواخت. این شخص، آیت الله نجفی را تهدید به قتل کرد، ولی فردای آن روز قسمتی از سقف بازار بر سرش ریخت و در دم کشته شد که این واقعه سبب شد مقام و منزلت آیت الله مرعشی نجفی نزد مردم دوچندان شود.

وظایف زنان امروز جامعه ایران :

اینک که زنان جامعه اسلامی ایران توانستند در پرتو انقلاب اسلامی مقام و منزلت و حریم واصلت خود را به دست آورند و از چنگال فتنه ها و دسیسه های دشمنان اسلام و غرب گرایان نجات یابند ، باید قدر این نعمت بزرگ الهی را بدانند و بیش تر هوشیار و زیرک باشند ، چرا که استکبار و استعمار جهانی از پای ننشسته و برای رسیدن به اهداف خود یعنی در بندکشیدن ملل مسلمان و تضعیف ارزش های اسلامی و ملی هم چنان تلاش می کند . امروز دشمن با حربۀ تهاجم فرهنگی وارد میدان کارزار شده است که صدها برابر خطرناک تر از تهاجم نظامی است . برزنان واجب است که نتایج شوم بی حجابی در دوران رضا خان را همواره به یاد داشته باشند و هم چنان که در آن زمان در صحنه بودند و فریب دسیسه های استعمار را نخوردند و درمقابل آن ایستادگی و مقاومت نشان دادند ، اینک نیز، بیش تر از دیروز در صحنه باشند و از خود مقاومت نشان دهند . در واقع " زن مسلمان ایرانی " زنی است که در پی شناخت و آگاهی حقیقی به عقاید اسلامی و فرهنگی خود پایبند و با مسئولیت عظیم خویش در جامعه آشناست .

در پایان سخنی را از زبان مهاتما گاندی نقل می کنیم: « اگر من زن بودم ، علیه دعوی مرد ، دایر بر این که زن به دنیا آمد تا بازیچه ای برای او باشد ، سخت عصیان می کردم . ای زنان ! اگر آرایش کردن شما تنها به خاطر جلب شهوت مردها است ، از این کار خودداری کنید و زیر بار چنین ننگی نروید .

- قرآن کریم .
- نهج البلاغه .
- نهج الفصاحه .
- میزان الحکمه .
- تاج العروس من جواهر القاموس، الزبیدی، السيد محمد مرتضی، المكتبه الحياه، بیروت، بی تا
- حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، فتحیه فتاحی زاده، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳
- العین، الفراهیدی، الخلیل بن احمد، نشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق .
- قاموس قرآن، قرشی، سیدعلی اکبر، نشر دارالکتب الاسلامیه تهران ۱۳۷۶
- القاموس المحيط، الفيروز آبادی، مجدالدین،
- الکشاف (عن حقایق غوامض التنزیل)، زمخشری، جارالله، مکتب الاعلام الاسلامی، قم ۱۴۱۴ ق.
- لسان العرب، ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمدبن مکرّم، دار صادر، بیروت، چاپ ششم ۱۴۱۷ ق، ۱۹۹۷ م.
- مجمع البحرين، الطریحی، فخرالدین، انتشارات مکتبه الرضویه، تهران، بین الحرمین، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۹ ق ، ۱۳۳۹ ش
- معجم مفردات الفاظ القرآن، الراغب الاصفهانی، نشر دار القلم، دمشق، الدار الشامیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲ ق ، ۱۹۹۲ م.
- المیزان فی تفسیر القرآن، الطباطبائی، سیدمحمد حسین، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الثانيه، ۱۳۹۱ ق، ۱۹۷۲ م.
- وسائل الشیعه، الحرالعالمی ، محمدبن حسن، انتشارات نهایندی، قم، ۱۳۸۰
- معجم مقاییس اللغه، ابن فارس بن زکریا ابوالحسین ، شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی البائی الحلبي، مصر، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ق، ۱۹۷۱ م.
- زن و آزادی در کلام امام خمینی (قدس سره) ، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد .
- مسئله حجاب، مطهری، مرتضی، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹ .
- تعلیم و تربیت در اسلام ، شهید مطهری ، انتشارات الزهراء
- فلسفه عفاف ، شکوری ، مرضیه ، ۱۳۸۶ .
- [http : // www.women.org](http://www.women.org) (مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری)